

مقاله پژوهشی

سناریوهای ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس حلقه های میانی پیش روی جمهوری اسلامی ایران نقیسه اخوان نیلچی^۱، محمد رحیم عیوضی^۲، مهدی نادری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

چکیده: انقلاب اسلامی اکنون در مرحله جامعه سازی اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دارد. در جامعه اسلامی پیوند مردم با مردم در سایه اسلام و ولایت رشد فرد و جامعه را بدنبال دارد. ساخت چنین جامعه ای در گرو مشارکت آحاد مردم است و نقطه کانونی به صحنه آوردن مردم در جهت آرمان ها، بر مبنای مدل نظری مقام معظم رهبری، جریان حلقه های میانی می باشد. لذا سوال اصلی عبارت است از: سناریوهای آینده ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس جریان حلقه های میانی کدام است. در این مسیر با جامعه آماری ۱۲ نفر از خبرگان مرتبط با موضوع، از روش سناریو نویسی پیتز شوارتز استفاده شد. دو عدم قطعیت، عدم قطعیت اعتماد مردم به دولت و به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی منطبق ترسیم سناریوها را ارائه کرد و در نهایت مشخص شد، سناریو مطلوب جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت سازی های جدید برای بهره گیری از توان مردمی بر محور جریان حلقه های میانی و تحقق همه جانبه مردم سالاری، می باشد. برای تحقق این سناریو، در کنار افزایش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی تمرکز بر افزایش اعتماد مردم به دولت با نقش آفرینی موثر و همه جانبه حلقه های میانی برای فتح قله در جمهوری اسلامی امری ضروری می باشد.

واژگان اصلی: سناریو نویسی، جامعه اسلامی، حلقه های میانی، عدم قطعیت.

۱ دانش آموخته دکتری رشته آینده پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد.

n.akhavan.n@gmail.com

۲ استاد دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول). danesh.mr@yahoo.com

۳ استاد دانشگاه شاهد. m.naderi@shahed.ac.ir

۱. مقدمه

جهان در حال ایجاد معنای نوینی از حکمرانی است که تفاوت اساسی با حکمرانی های سنتی دارد. از حکمرانی تمرکز گرا و انحصار گرایانه فاصله گرفته و به سمت حکمرانی خوب حرکت می کند. در این نوع حکمرانی مردم در کنار دولت و بخش خصوصی حضوری جدی خواهند داشت. با مطالعه نقش و مشارکت مردم در حکمرانی ملاحظه می شود در دهه های اخیر توجه به این نقش در مسیر حکمرانی خوب همواره مورد توجه جدی بوده است بویژه کشورهای در حال توسعه نیازمند فراهم ساختن زمینه های دخالت و مشارکت مردم در تحول حکمرانی هستند. امروزه حکمرانی مردم پایه یکی از مصادیق بارز یک حکمرانی خوب جهانی محسوب می شود. در این حکمرانی پیوند بین دولت و جامعه ایجاد می گردد و دولت و جامعه دو هویت مجزا از هم نخواهند بود. کشور ایران نیز در مسیر پیشرفت و توسعه خویش، و حرکت در مسیر حکمرانی مطلوب و خوب نیازمند توجه به نقش مردم و مشارکت بیشتر آنهاست. هر چند گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی با تاسی بر منطق دینی و حیانی و عقلی بشری بر این پایه قرار دارد. و در طول ۵ دهه از انقلاب اسلامی ابتدا بر آرا مردم و مشارکت اراده های انسانی در مقاطع حساس همواره موجبات پیشرفت کشور را به دنبال داشته است. همانگونه که در بیانیه گام دوم اشاره می شود. «رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جانمایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد» (خامنه‌ای، ۹۷/۱۱/۲۲) اکنون در گام دوم انقلاب اسلامی نیازمند توجه جدی به حرکت عمومی مردم در پیشبرد اهداف انقلاب و محقق ساختن جامعه و تمدن اسلامی بر اساس مدل حکمرانی مردمی می باشد.

مقام معظم رهبری یکی از راهبردهای اساسی در مدل حکمرانی مردمی (مشارکتی) برای رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی را «جریان حلقه های میانی» می داند. (خامنه‌ای، ۹۸/۳/۱) بر این اساس تعبیری نوین از نقش مردم ارائه می دهند. در راستای جامعه پردازی نقشی که مردم دارند در تمامی ابعاد تجلی پیدا می کند و کارآمدترین محمل که ظرفیت مردم را در تمامی سطوح به فعلیت می رساند جریان حلقه های میانی است.

هدف اصلی این پژوهش شناسایی جایگاه و نقش حلقه های میانی در ساخت جامعه مطلوب اسلامی و ترسیم سناریوهای آینده آن در افق بیست ساله گام دوم انقلاب اسلامی است. سوال اصلی نیز اینگونه مطرح می گردد که سناریوهای آینده ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس جریان حلقه های میانی کدام است؟ در واقع در طی مسیر آینده نیاز به اقتدار ملی و خود اتکایی جامعه ایران و ملت آگاه و مصمم و معتقد به هدف است. اراده ملی یک جریان از جنس انقلاب اسلامی باید باشد تا تاب عبور از کمند دشمنان و سختیهای راه را داشته باشد و الا شکننده و تاب نآور خواهد بود. در این شرایط برای استحکام بخشی پیکره جامعه اسلامی در گام دوم نیاز به توجه جدی به حلقه میانی به عنوان پیشران اصلی آینده ساز در ایران است. حلقه هایی که در گام دوم انقلاب به بلوغ رسیده و از ظرفیتهای جدیدی و مطالبات بسیار پیچیده و عمیقی برخوردار است. انقلاب بیشتر از قبل نیاز به توجه به نقشها و ظرفیتهای این حلقه میانی دارد تا همچنان با اقتدار برای مواجه ملت با مسایل آینده انقلاب با اطمینان راه پیش روی را طی کند.

در مسیر ساخت آینده مطلوب انقلاب اسلامی مراحل طی شده توسط نظریه پردازان انقلاب اسلامی ترسیم گردیده است که مهم ترین آن دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی می باشد. اکثر پژوهش های صورت گرفته به کلیاتی راجع به این مفاهیم پرداخته است. در عرصه ساخت جامعه مطلوب اسلامی و راهکار تحقق آن آثار علمی اندکی وجود دارد. هم چنین نظریه اسلام برای عملیاتی کردن جایگاه و نقش مردم در تمامی عرصه و سطوح تبیین نشده است که در این مقاله به این دو مهم پرداخته می شود. در واقع هم به جایگاه مردم در نظریه سیاسی - اجتماعی اسلام بر اساس حلقه های میانی (چیستی) و هم چنین برای اولین بار در حوزه جامعه شناسی سیاسی یک مفهوم جدید در آینده مورد شناسایی و مطالعه قرار می گیرد که نمودی از ورود یک آینده پژوه در تحولات آینده می باشد (آینده پژوهی) هم به نحوه عملیاتی ساختن این جایگاه در جامعه اسلامی (چگونگی) اختصاص دارد؛ لذا این مقاله با رویکردی آینده پژوهانه به بحث حلقه های میانی می پردازد و به شناسایی پیشران های تأثیرگذار در روندهای آینده در محیط پیچیده و غیر قابل پیش بینی اهتمام دارد.

۲. پیشینه پژوهش

هر چند مفهوم حلقه های میانی، مفهومی بدیع و نوآورانه در جامعه شناسی سیاسی می باشد ولی در سال های اخیر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده و وارد ادبیات علمی کشور شده است. در جدول زیر مهم ترین این آثار در قالب کتاب و مقاله آورده شده است.

اهداف و یافته ها	پژوهشگر و سال انتشار	عنوان	قالب	ردیف
دیدگاه جمعی از اندیشه ورزان انقلاب اسلامی پیرامون هویت و کارکرد حلقه های میانی است	پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع) ۱۴۰۱	حکمرانی نوین	کتاب	۱
با هدف تبیین نظریه حلقه های میانی در محورهای زیر برگزار شد: تشکیلات، رهبری و راهکارهای عملیاتی - حلقه های میانی؛ تربیت دینی و آموزش عمومی - حکمرانی فضای مجازی در گام دوم انقلاب اسلامی - جریان حلقه های میانی؛ مولفه ها، ابعاد و شاخصه ها - جریان حلقه های میانی؛ آسیب ها و راه حل برون رفت از آن - شهید سلیمانی؛ الگوی خودسازی و اخلاق مداری در تعامل باجامعه - محور ویژه: جریان حلقه های میانی	دانشگاه جامع امام حسین، ۱۴۰۱	مجموعه مقالات سومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب، الگوی جریان حلقه های میانی تمدن ساز	کتاب	۲

<p>و فتح خرمشهرهای آینده(نقاط عطف در محورهای ۷گانه بیانیه گام دوم)</p>				
<p>در این کتاب امامت در سه مقیاس کلان، میانی و خرد آمده است. امامت در سطح کلان، به مثابه عالی- ترین نهاد و مقام حاکمیتی است. امامت در سطح میانی، به مثابه فعالیت اجتماعی و رفتار جمعی است که در فرهنگ عمومی نمود می‌یابد. «نائب الامام»، «ولاه الامام»، «وکیل الامام»، «کفیل الامام»، «سفیر الامام»، «امام الحاج»، «امام جمعه»، «امام جماعت» شهر و روستا، «امام بازار» و... و تعبیر «امام محله»، جملگی از مصادیق امامت در مقیاس میانی است. امامت در سطح خرد به مثابه آگاهی فردی و پایه‌های فکری، اخلاق، رفتار و کنش‌های شخصی است.</p>	<p>حمیدرضا ترابی، بنیاد هدایت، ۱۴۰۰</p>	<p>امام محله؛ مقدمه‌ای بر امامت در مقیاس میانی و سازوکارهای تنفذ آن</p>	<p>کتاب</p>	<p>۳</p>
<p>الگوی نقش آفرینی جوانان در قالب حلقه‌های میانی موثر برای این موضوع از ابداعات امام خامنه‌ای می‌باشد که نتیجه آن اولاً بستر سازی برای حضور</p>	<p>مهدی بهرامی، فرهنگ پژوهش، ۱۴۰۰</p>	<p>حلقه های میانی الگوی عملیاتی دولت سازی اسلامی</p>		<p>۴</p>

<p>جوانان متعهد انقلابی و کارآمد در بدنه مدیریتی کشور و ثابا ایجاد یک حرکت عمومی مردمی در کشور برای تحقق دولت اسلامی می باشد</p>				
<p>جریان حلقه های میانی، دارای اصالتی دیرینه در تجارب متراکم جمهوری اسلامی ایران و عاملی مهم در ایجاد حرکت عمومی در مسیر دولت سازيست و بارزترین مصادیق آن ها بسیج مردمی، مساجد و هیئت ها، گروه های جهادی، تشکل های دانشجویی و ... می باشند</p>	<p>ریبعی، سینا و سیاوشی، مهدی، مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲</p>	<p>صورت بندی مفهومی حلقه های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران</p>		<p>۵</p>
<p>مسئولیت اصلی این جهاد در مسیر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر عهده حلقه های میانی است که در ارتباط با بدنه جامعه از یک سو و مسئولین نظام اسلامی از سوی دیگر هستند.</p>	<p>مهدی محمدزاده بنی طرفی، جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱</p>	<p>جهاد تبیین و نقش حلقه های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی</p>		<p>۶</p>
<p>حلقه های میانی را الگویی برای پر کردن خلا و گسست های میان مردم و جاکمیت می داند به طرزى که انسجام اجتماعی و حرکت عمومی که لازمه</p>	<p>محمد رضا مجیدی، یونس سبزی کریم آبادی، فصلنامه مطالعات</p>	<p>جایگاه حلقه های میانی در حکمرانی و تشکیلاتی و نقش آن در</p>	<p>مقاله</p>	<p>۷</p>

تحقق تمدن نوین اسلامی است تحقق یابد.	بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۱۴۰۱	تمدن سازی، با نگاهی به مقوله تحزب		
---	--------------------------------------	---	--	--

همان گونه که در مرور ادبیات پیشین حلقه های میانی ملاحظه می شود. کارهای علمی اندکی مستقیماً به این مهم پرداخته است و هیچ یک از آثار با رویکرد آینده پژوهانه به حلقه های میانی ورود نداشته است. در نهایت می توان عنوان داشت رویکرد آینده پژوهی و تدوین سناریو در مورد حلقه های میانی در کنار توجه به جامعه اسلامی نوآوری این پژوهش است.

۳. چارچوب نظری:

آینده پژوهی با تمرکز بر موضوعات مهم و معطوف به آینده، فرصت های ارزنده و بسترهای مناسبی را برای ترسیم وضعیت مطلوب و شکل دهی به آینده فراهم می کند. شناخت آینده در گذشته بیشتر به صورت پیش بینی انجام می گرفت. در پارادایم پیش بینی آینده صلب، محتوم و نتیجه منطقی از روند کنونی توصیف می شد و تنها وظیفه پیش بینی و کشف آینده محتوم بود.

مسئله شناخت آینده انسان و جهان مجب شده ککه این علم با تلاشی روشمند به عنوان یک ح.زه معرفتی مستقل و سازمند، موضوعات و مسائل ناظر بر غایات آینده بشری را سرلوحه مطالعاتی قرار دهد. در آینده پژوهی آینده محتوم نیست و بنا بر هنجارها و خواسته ها می تواند ساخته شود. به عبارت دیگر، هدف آینده پژوهی پیش بینی آینده نیست بلکه تعالی دنیای آینده است. آینده پژوهی به بشر کمک می کند تا اهداف ارزشمند، دست یافتنی و بلند مدتی را برای خود برگزیند و راهبردهای منطقی تحقق آنها را در ذهن بپرواند. (Cornish,2004) در این رویکرد آینده های بدیل و مختلفی قابل توصیف است که روش های بسیار متنوعی برای شناخت آینده بر اساس پیش فرض های مختلف و در راستای اهداف گوناگون وجود دارند. عده ای با فرض همسانی رویدادهای گذشته و آینده با تحلیل گذشته ساده ترین آینده شناسی ها را

عرضه می‌دارند. گروهی با منظور داشتن همه متغیرهای ذریبط و توجه به همه روابط متقابل و اثار محتمل اجزا برهم، دست به توصیف از آینده می‌زنند. (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴) شناخت آینده نیازمند عناصر و ابزاری است که در قالب آن قابل پیش بینی و عدم قطعیت‌ها مشخص شوند. یکی از کاربردی‌ترین ابزار سناریوها هستند. به طور منطقی اگر آینده مملو از عدم قطعیت‌ها و وضعیت‌های نامعلوم است، پس آینده‌ها را بیان کرده و روایت‌های بدیلی درباره موقعیت مرتبط آینده ارائه می‌دهند. عناصر نسبتاً مشخص و عدم قطعیت‌های آینده را می‌توان با دسته‌ای از سناریوها تشریح کرده و بر اساس آن نسبت به آینده موضع گرفت و برنامه ریزی کرد. (زالی، ۱۳۹۰: ۳۳۶) مقصود از تعریف سناریوها، انتخاب فقط یک آینده مرجح و یا پیدا کردن محتمل‌ترین آینده و سعی در تطبیق با آن نیست، بلکه هدف اصلی آماده‌سازی زمینه برای اتخاذ تصمیم‌های استراتژیک است که برای همه آینده‌های ممکن به اندازه کافی هوشمندانه و خردمندانه باشند. اگر در تدوین سناریوها تفکر جدی و دقت بالا صورت گیرد، آنگاه دولت و یا سازمان سیاستگذار و تصمیم‌گیرنده در برابر هر اتفاقی آمادگی لازم را دارد و می‌تواند بر مسیر اتفاقات آینده تاثیرگذار باشد. در آینده پژوهی بر پایه سناریو نویسی تلاش می‌شود بر اساس فهم صحیح دلالت‌های انتخاب امروز، راه‌های اثرگذاری بر پیامدهای آتی این انتخاب‌ها در آینده کشف شوند. (علیزاده، ۱۳۸۳)

۴. روش شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی است. روش اصلی سناریو نویسی پیترو شوارتز می‌باشد و برای جمع‌آوری داده‌های اولیه از مصاحبه با خبرگان استفاده کرده است. با عنایت به اهمیت موضوع و بدیع بودن آن، شناسایی خبرگان کارآمد و صاحب‌ایده نقش بسزایی در این پژوهش داشته است. لذا جامعه آماری به صورت باز تعریف شده و به صورت هدفمند نمونه‌گیری انجام گرفت. از دیدگاه‌های ۱۲ نفر خبره در زمینه شناسایی موضوع، شناسایی عوامل کلیدی و پیشران‌ها، میزان تاثیرگذاری عوامل کلیدی بر یکدیگر و رتبه بندی آنها و شناسایی عدم قطعیت‌ها (مطابق با ۵ گام نخست روش پیترو شوارتز) استفاده شد. در انتخاب مصاحبه‌شوندگان تلاش شد تا خبره‌ترین و زبده

ترین افراد صاحب نظر و آشنا با ادبیات و مفهوم حلقه های میانی گزینش شود که از ویژگیهای خاصی برخوردار باشند و شاخص های زیر را دارا باشند:

۱. هر یک از افراد دارای شخصیت های علمی بوده؛ هیات علمی و یا مدرس دانشگاه و حوزه باشند.

۲. با اندیشه های امام خمینی و مقام معظم رهبری خصوصا جامعه شناسی آنها آشنا بوده و بر اساس منظومه فکری ایشان به بسط مفهوم حلقه های میانی بپردازند.

۳. این افراد از نزدیک با مصادیقی شبیه حلقه های میانی در ارتباط بوده و فهم میدانی از این مفهوم داشته باشند.

۴. افرادی که در دولت و حاکمیت مسئولیت هایی مرتبط با حلقه های میانی داشتند شناسایی و با این افراد در حد بضاعت مصاحبه گردید.

۵. سناریو پردازی

سناریو به ما نسبت به اتخاذ دیدگاه دورنگر در جهانی با عدم قطعیت بالا کمک می کنند. سناریوها ما را نسبت به تشخیص و سازگاری در برابر جنبه های متغیر محیط فعالیت کنونی مان یاری می دهند. سناریوها روشی برای پیدا کردن و تدوین مسیرهای متفاوت آینده و حرکت مناسب در این مسیرها پدید می آورند. برنامه ریزی بر پایه ی سناریوها درباره ی انتخاب های امروز، با درک و فهم چگونگی تغییر و تحولات ممکن آنها در آینده است. در چنین بافتی، تعریف دقیق سناریو عبارت است از «ابزاری برای نظم بخشیدن به درک و تصور شخص نسبت به محیط های بدیل آینده که تصمیم های آن شخص ممکن است در هر کدام از آنها به وقوع بپیوندد.» (پیتز شوارترز، ۱۳۸۸: ۶)

بعد از جنگ جهانی دوم، سناریو به عنوان روش برنامه ریزی نظامی پا به عرصه ی وجود گذاشتند. نیروی هوایی آمریکا سعی کرد با کمک سناریوها، اقدامات احتمالی دشمنان خود را پیش بینی کرده و راهبردهای بدیل را برای خود پایه ریزی کند. در دهه ی ۱۹۶۰ هرمان کان^۱ که خود در برنامه ریزی های نیروی هوایی شرکت

1 Herman Kahn

داشت، سناریوها را به عنوان ابزاری برای پیش بینی در دنیای کسب و کار تعریف کرد. وی به عنوان یک آینده پژوه برجسته ی آمریکایی، غیرقابل اجتناب بودن رشد و کامیابی اقتصاد آن زمان را پیش بینی کرد. اما در دهه ی ۱۹۷۰ با اقدامات پیر واک، سناریوها ابعاد جدیدتری به خود گرفتند. در سال ۱۹۶۸ واک به عنوان یک طراح و برنامه ریز در بخش تازه تأسیس شرکت نفتی رویال داچ شل تحت عنوان «برنامه ریزی گروهی» در دفتر لندن مشغول به کار بود (پیتر شوارترز، ۱۳۸۸: ۹) روش «شبکه جهانی کسب و کار» توسط واک ابداع و توسط پیتر شوارترز (۱۹۹۱) و «کیس و ندرهیدن» به طور گسترده مطرح شد و «میلت» آن را «استاندارد طلایی سناریونویسی شرکت‌ها» نامید. پیتر شوارتز نقش بسیار مهمی در توصیف و گسترش این روش داشته است.

در روش عدم قطعیت بحرانی موضوعاتی محور اصلی بررسی قرار می‌گیرند که هم-زمان هم اهمیت بالا و هم عدم قطعیت بالا داشته باشند. پیتر شوارتز در کتاب «هنردورنگاری» اینگونه توصیف می‌کند. «برای فعالیت کردن در دنیای عدم قطعیت، افراد به داشتن توانایی درک مجدد نیاز دارند. منظور از درک مجدد یعنی افراد مفروضات خود را نسبت به چگونگی عملکرد جهان مورد پرسش قرار دهند. به این وسیله قادر خواهند بود تا دنیای اطراف خود را به روشنی ببینند. هدف سناریوها کمک کردن به فرد در تغییر نگرش خود نسبت به واقعیت و تطبیق هر چه بیشتر این نگرش با واقعیت، همانطور که هست یا همان طور که در حال به وجود آمدن است، می‌باشد.» (پیتر شوارترز، ۱۳۸۸: ۱۱) در نتیجه می‌توان گفت: «سناریوها پیش بینی آینده نیستند، بلکه در عوض، درک آینده های مختلف در زمان حال هستند.» (پیتر شوارترز، ۱۳۸۸: ۳۸)

پیتر شوارتز هشت گام را برای سناریونویسی ترسیم می‌کند:

- گام اول: شناسایی موضوع؛
- گام دوم: فهرست کردن نیروهای کلیدی موجود در محیط پیرامون؛
- گام سوم: فهرست کردن نیروهای پیشران شکل‌دهنده به نیروهای کلیدی گام دوم؛
- گام چهارم: رتبه‌بندی عوامل کلیدی و پیشران‌ها بر اساس میزان اهمیت و عدم قطعیت آن‌ها؛

- گام پنجم: انتخاب منطق سناریوها (ساخت ماتریس سناریو با عدم قطعیت‌های بحرانی)؛

- گام ششم: بیان شرح تفصیلی از سناریو؛

- گام هفتم: بررسی نسبت تصمیمات با سناریوها؛

- گام هشتم: انتخاب شاخص‌های راهنما؛

از مراحل اصلی در طراحی سناریوهای آینده شناسایی عدم قطعیت‌ها است. در این روش موضوعاتی محور اصلی بحث قرار می‌گیرد که هم‌زمان هم اهمیت بالا و هم عدم قطعیت بالا داشته باشند و حداکثر فضای نااطمینانی را پوشش دهند. بدین منظور در ابتدا لازم است تا فهرستی از موضوعات تهیه شود و سپس عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی شود. اگر یک پیشران پیش‌بینی‌پذیری خوبی داشته باشد چنین پیشرانی دارای قطعیت بالا و عدم قطعیت پایین است و برعکس. عدم قطعیت‌های کلیدی مسائلی درباره آینده یک پدیده است که پیش‌بینی آن دشوار است ولی تأثیر چشمگیری بر موفقیت برنامه‌های در دست اجرا دارد. عدم قطعیت به آن عواملی اشاره می‌کند که نتایج ناشناخته دارد و هنوز اتفاق نیفتاده است و نمی‌توان برای آن میزان احتمال وقوع خاصی را پیش‌بینی کرد. (شوارتز، ۱۳۸۸: ۲۲۶) در واقع آن دسته از عوامل محیطی را که در طراحی سناریوها دارایی بالاترین میزان اثرگذاری و کمترین امکان پیش‌بینی باشند عدم قطعیت‌های کلیدی گویند.

بنابراین در این پژوهش در گام اول مفهوم حلقه‌های میانی تبیین گردید. و در گام دوم شناسایی عوامل کلیدی و عوامل تأثیرگذار بر موضوع با کمک خبرگان احصا گردید و مهم‌ترین این عوامل که قطعیت پایینی نیز دارند نیز شناسایی شد تا فضا برای ترسیم منطق سناریوها در دو محور متقاطع بر مبنای عدم قطعیت‌ها ایجاد شود. پس از ترسیم فضای کلی سناریوها، تلاش شد تا سناریوها در افق زمانی بیست ساله گام دوم انقلاب (۱۴۱۷) نگاشته شود. در نهایت پس از روایت توصیفی سناریوها، شاخص‌های راهنمای هر سناریو تهیه شد.

۶. تجزیه تحلیل داده ها و یافته های پژوهش

۶.۱. شناسایی موضوع؛ حلقه های میانی:

اصطلاح جریان حلقه های میانی تنها یکبار توسط مقام معظم رهبری به کار برده شده است. -هرچند تعبیری نزدیک مانند حلقه واسط برای حوزه علمیه در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نیز بکار برده شده است.^۱ - این اصطلاح در تبیین بیانیه گام دوم و چند ماه پس از صدور آن در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱ بیان شده است. در این سخنرانی عناصر یک حرکت عمومی را بیان می کنند که عبارتند از شناخت صحنه، جهت گیری منطقی و قابل قبول مشخص و یا روندی که برگزیده می شود، عامل امید بخش یا شناخت ظرفیت های ملی به عنوان کارگزار حرکت عمومی و در نهایت راهکارهای عملی و در نظر گرفتن ساختار متناسب. سپس عنصر چهارم از حرکت عمومی را بازتر می کنند و می فرمایند: «این مورد آخری که مسئله ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی در پی و لحظه به لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهمتر از همه جوانهای جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه ی راهکار، برنامه ریزی، به عهده ی چه کسی است؟ این به عهده ی جریان های حلقه های میانی است. این، نه به عهده ی رهبری است، نه به عهده ی دولت است، نه به عهده ی دستگاههای دیگر است؛ [بلکه] به عهده ی مجموعه هایی از خود ملت است.» (خامنه ای، ۱۳۹۸/۳/۱) با توجه به این سخنرانی در اندیشه مقام معظم رهبری جریان حلقه های

آن وسیله ای که فکر امام را، خواسته ی امام را، آن نیت امام را تحقق بخشید، عملیاتی کرد، اجرایی کرد، حوزه ی حوزه ی علمیه بود، طلب بودند؛ ارتباط انقلاب با حوزه ی قم این است. بله، درست است، ما میگوییم همه ی اقشار مردم در انقلاب شرکت داشته اند، واقع قضیه هم همین است، یا در مورد آن گروه های پیشرو مثلاً میگوییم «دانشجوها، طلبه ها» و اسم دانشجویها را می آوریم، درست است، اینها هم واقعاً پیشرو بوده اند، در این شکی نیست اما پیشرو بودن و ورود، یک حلقه ی وصلی لازم داشت، یک حلقه ی واسطی لازم داشت؛ این حلقه ی واسط حوزه ی علمیه ی قم بود و البته حوزه های علمیه ی دیگر؛ فقط حوزه ی قم نبود. شما توجه داشته باشید که این انقلاب عظیم، این پدیده ی حیرت انگیز، این حادثه ای که دنیا را تکان داد -[واقعاً] دنیا را تکان داد -متممی میشود به این حلقه ی واسط، یعنی به حوزه ی قم. نسبت حوزه ی قم با انقلاب این است. ۲۵/۱۲/۱۳۹۴

میانی راهکار عملیاتی است که وظیفه هدایت، برنامه ریزی، تمرکز، پیگیری و فعالیت در زمینه های مختلف را برعهده دارند.

در تبیین دقیق تر جریان حلقه های میانی می توان عنوان داشت، در نظام امام و امت جبهه واحدی به نام امت در سطح عموم مومنین گسترش می یابد. در داخل همه مردم موظفند با دقت نیروها را در یک راه و به سوی هدف واحد بسیج نمایند و از تفرقه و هرز رفتن بخشی از نیروها بشدت بپرهیزند. چنین شرایطی مستلزم آن است که رابطه ای عمیق و نیرومند همه آحاد مردم را به هم پیوند زند. و این نقش اساسی را در نظام امت امام جریان حلقه های میانی انجام می دهند. لذا جریان حلقه های میانی، امری ضروری برای ادامه مسیر انقلاب اسلامی در جهت قیام عمومی مردم و به صحنه آوردن ظرفیت های مردمی در متن جامعه، در معیت با ولی و همراه با مسئولین است که کارکرد مهم آن، پیوند گذشته با آینده، پیوند وضع موجود با آرمانها و پیوند انقلاب اسلامی با تمدن نوین اسلامی است. در چنین شرایطی است که از ظرفیت حداکثری مردم در راستای اهداف حاکمیتی بهره گرفته می شود و پیوند عمیق بین مردم و مسئولان در انجام رسالت ها برقرار می گردد. حلقه های میانی می بایست مسئله محور و تخصصی باشند. حلقه های میانی بر اساس مردم بنیادی و مردم سالاری دینی واسط بین نظام مسائل و ظرفیت های حل مسئله هستند. حلقه های میانی تعیینی جدید از جمهوریت در جامعه اسلامی است. به تعبیری دیگر حلقه های میانی به واسطه کار ویژه های خود، مناسباتی را شکل می دهد که مشارکت عمومی افراد جامعه گسترش یابد. حلقه های میانی ساختاری جدید در بین سطوح ساختاری نظام اسلامی نیست بلکه به موازات ساختار موجود در تمامی سطوح جامعه اسلامی جایگاه دارد.

۶،۲. پیشران های تاثیرگذار بر ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس جریان

حلقات میانی

شناسایی عوامل کلیدی تاثیر گذار بر جامعه مطلوب اسلامی بر اساس حلقه های میانی، به شناخت بهتر از آینده کمک خواهند کرد. پس از شناسایی عوامل کلیدی میزان تاثیرگذاری و تاثیر پذیری آنها توسط خبرگان نمره دهی شد. از خبرگان خواسته شد

میزان تاثیرگذاری را با عددی بین ۰ تا ۳ مشخص کنند و در نهایت ۵ پیشران با تاثیرگذاری بالا احصا گردید. بر این اساس مشخص شد؛ مهم ترین متغیرها که مسائل راهبردی آینده جامعه مطلوب بر اساس حلقهات میانی را شامل می شوند و بیشترین تاثیرگذاری و تاثیر پذیری نسبت به سایر مسائل دارند عبارتند از «اعتماد مردم به دولت»، «حکمرانی مشارکتی» و «به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی» به همراه «توسعه گفتگویی بین مردم و دولت» و «نیروی جوانان» که قابلیت و ظرفیت تبدیل شدن به مسائل کلیدی و اصلی در آینده را دارا می باشند و و قدرت راهبردی بیشتری در مقایسه با سایر مسائل دارند.

۶.۳. عدم قطعیت های تأثیرگذار بر ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس جریان

حلقهات میانی

برخی از پیشرانها دارای عدم قطعیت بالا و برخی دیگر عدم قطعیت پایین تری دارند و پیشران های دارای عدم قطعیت پایین، قابلیت پیش بینی بیشتری در نسبت با پیشران های با عدم قطعیت بالا دارند. پیشران های دارای عدم قطعیت بالا، تصمیم گیری و برنامه ریزی را برای مدیران سخت و پیچیده می کنند. برای بررسی عدم قطعیت یا قطعیت پیشران ها بر مبنای جدول زیر عمل شد.

عدم قطعیت های تأثیرگذار بر آینده ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس جریان

حلقهات میانی (محقق ساخته)

شماره	پیشران	عدم قطعیت
۱	اعتماد مردم به دولت	اعتماد مردم به دولت افزایش می یابد
		اعتماد مردم به دولت کاهش می یابد
۲	حکمرانی مشارکتی	حکمرانی مشارکتی افزایش خواهد یافت
		حکمرانی مشارکتی کاهش خواهد یافت
۳	به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی	به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی تقویت می شود
		به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی تضعیف می شود
۴	توسعه گفتگویی بین مردم و دولت	توسعه گفتگویی بین مردم و دولت بیشتر می شود

توسعه گفتگمانی بین مردم و دولت کمتر می شود		
استفاده از ظرفیت نیروی جوانان افزایش خواهد یافت	نیروی جوانان	۵
استفاده از ظرفیت نیروی جوانان کاهش خواهد یافت		

در مورد پیش‌ران‌ها و عدم قطعیت‌های احصاء شده در جدول بالا از خبرگان خواسته شد تا نظر خود را در مورد قطعیت و یا عدم قطعیت پیش‌ران‌ها بیان کنند که نتایج زیر حاصل شد:

عامل حکمرانی مشارکتی هرچند عامل مهمی در ساخت جامعه مطلوب اسلامی وهموارکردن مسیر برای گسترش و افزایش کیفیت حلقه‌های میانی است ولی با بررسی روندهای جهانی و تاکید مجامع بین‌المللی بر تغییر الگوی حکمرانی دولت محور؛ در بلند مدت و در افق بیست ساله از گام دوم انقلاب اسلامی (۱۴۱۷) عدم قطعیت کمتری نسبت به سایر موارد دارد و احتمال اینکه موجب تغییرات پیش‌بینی ناپذیر شود کمتر است.

نیرو، انگیزه و اراده جوانان برای محقق شدن اهداف امری بدیهی است که همواره در مقاطع حساس کشور جوانان نقش‌های منحصر بفردی ایفا کرده‌اند. مخصوصاً با روحیه آرمانگرایی خویش بر مشکلات و موانع فائق آمده و انگیزه‌های غیر مادی در پیشبرد حرکت‌های مردمی همچون حلقه‌های میانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال رویه ثابت در تمامی جوامع جایگزین شدن نیروی جوان به جای نیروهای پیر و کهنسال است مخصوصاً در کشور ایران که در سال‌های اخیر به واسطه افزایش جوانان این رویه افزایش نیز داشته است و به نظر می‌رسد در بازه بیست ساله از گام دوم توجه به نیروی جوان همچنان ادامه داشته باشد.

با عنایت به رویه جمهوری اسلامی در طی این سالها و ایجاد زمینه‌های گفتگوی بیشتر مردم و دولت، حاکی از این است که در آینده نیز این مسیر امتداد دارد. هم‌چنین با افزایش راه‌های گفتگو بواسطه پیشرفت تکنولوژی (افزایش ایلکیشنها، فضای

مجازی و...) این ارتباط تسهیل شده و در آینده نیز این مسیر با پیشرفت تکنولوژی هموارتر شده و نمی توان به عنوان عدم قطعیت از گفتگوی میان مردم و دولت یاد کرد.

۶.۴. عدم قطعیت های کلیدی و تدوین منطق سناریوها

پس از شناخت پیشران های راهبردی در زمینه موضوع پژوهش، جایگاه پیشران های با عدم قطعیت بالا که در عین حال با اهمیت ترین آن ها نیز هستند با استفاده از پرسش از خبرگان مشخص شد. دو پیشران «اعتماد مردم به دولت» و «به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی» بر اساس شاخصه اهمیت و عدم قطعیت از نمره میانگین بالاتری برخوردار هستند. لذا بیشتر از سایر عوامل شناسایی شده در ساخت جامعه مطلوب اسلامی براساس حلقات میانی در افق بیست ساله گام دوم انقلاب تاثیر گذارند. بر مبنای منطق ترسیم شده، عدم قطعیت ها در دو دسته طبقه بندی می گردد:

۶.۴.۱. عدم قطعیت ۱: اعتماد مردم به دولت

انسان ها در زندگی اجتماعی و پایداری روابط اجتماعی به اعتماد نیاز دارند. اعتماد زمینه تعاملات و مبادلات در عرصه های مختلف فرهنگی اجتماعی و اقتصادی را هموارتر می نماید. فرهنگ آکسفورد اعتماد را اتکا یا اطمینان به برخی ویژگی ها یا خصایص یک شخص یا سازمان تعریف کرده است. پایه و اساس تعاملات اجتماعی و رفتارهای روزمره انسان ها در جامعه اعتماد است. در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار برای تضمین دادوستدها کارایی خود را از دست می دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می یابد. افزایش تعامل و همکاری بین افراد در سایه اعتماد است. اعتماد، رضایت را جانشین اجبار می سازد و این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره کنندگان جامعه درصدد دستیابی به آن هستند (گلابی، ۱۳۸۳)

به طور کلی با افزایش اعتماد عمومی سطح بدبینی به حکومت کاهش یافته هزینه کنترل متقابل حکومت و ملت نیز کاهش می یابد. به نظر می آید که این وضع هر سه عرصه فعالیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حکومت را تحت تاثیر قرار می دهد. اغلب شهروندان افزایش اعتماد عمومی بین یکدیگر را در مشارکت خود در فعالیت های شهری موثر می دانند و به عبارتی شهروندان در صورتی که به اطرافیان خود از اطمینان و

اعتماد کافی برخوردار باشند تمایل بیشتری به مشارکت در امور مختلف خواهند داشت و اعتماد با دولت می تواند سبب همراهی شهروندان با سیاست های دولت بدون توجه به زور گردد. طبق مطالب بیان شده، اعتماد عمومی یکی از مولفه های بسیار تاثیر گذار در جامعه اسلامی است؛ هرچه که اعتماد بیشتری و کافی تری از سوی شهروندان نسبت به نظام سیاسی وجود داشته باشد شهروندان تمایل بیشتری برنقش آفرینی عمیق تر در مسائل دارند و زمینه مشارکت آنان در قالب جریان حلقه های میانی بیشتر فراهم خواهد شد. هم چنین اعتماد دولت به مردم زمینه های نقش آفرینی مردم را در عرصه های گوناگون فراهم می آورد. در این زمینه مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۹۴ می فرمایند: «این ظرفیت عظیم و مهم دست یافتنی است ولی شروطی دارد؛ یکی از مهم ترین شروط عبارت است از همکاری های صمیمانه میان ملت و دولت؛ اگر این همکاری صمیمانه از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه ی آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید. دولت، کارگزار ملت است؛ و ملت، کارفرمای دولت است. هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی های ملت را بدرستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند.» (خامنه ای، ۱۳۹۴/۱/۱) هم چنین مقام معظم رهبری تاکید بر اعتماد به مردم از سوی مسئولین را دارند و در سالگرد ارتحال امام خمینی در سال ۱۴۰۲ می فرمایند: «یومن للمومنین یعنی اعتماد به مردم، اعتقاد به مردم... امام به مردم اعتماد داشت؛ هم به عمل مردم، و به انگیزه های مردم، هم به رای مردم. جمهوری اسلامی، این مردم سالاری در جمهوری اسلامی، کلمه «جمهوری»، ناشی از همین اعتماد امام بزرگوار به مردم بود.» (خامنه ای، ۱۴۰۲/۳/۱۴) از سویی در آینده اعتماد مردم به دولت از درجه اهمیت بالایی برخوردار است ولیکن درجه عدم قطعیت بالایی نیز دارد زیرا تلاش مردم و دولت برای ایجاد این اعتماد بستگی به عوامل گوناگون داشته و روند ثابتی در گذشته برای آن قابل شناسایی نیست. بنابراین مسائل کلیدی تاثیرگذار بر ساخت جامعه مطلوب بر اساس حلقه های میانی عبارتند از:

عدم قطعیت ۱ اعتماد مردم به دولت (محقق ساخته)

پیشران	عدم قطعیت
اعتماد مردم به دولت	اعتماد مردم به دولت افزایش می یابد
	اعتماد مردم به دولت کاهش می یابد

۶،۴،۲. عدم قطعیت ۲: به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی

یکی از مهم ترین شاخصه های مردمسالاری اسلامی ایرانی، مبتنی بر نهادهای غیر دولتی، مردم نهاد و محلی یا مذهبی است. قبل و بعد از انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی کارکردهای نهادهایی نظیر هیات های مذهبی یا انجمن های مختلف به اثبات رسید. این نهادها محل مناسبی برای جلب مشارکت مردم بودند و در برخی از موارد نیز در تصمیم سازی ها نیز موثر بودند (نژدی منش و عبدالمهی اصل، ۱۳۹۴: ۲۰). امروزه تنوع نهادهای غیر دولتی و مردمی در حوزه های آسیب های اجتماعی، محیط زیست، اقتصاد بسیار پر رنگ است. نهادهای غیر دولتی و مردمی به عنوان تشکل هایی مردمی میانجی در جامعه هستند که آحاد فردیت یافته نظام اجتماعی را در مجموعه های هدفمند و سازمان یافته، در خارج از جهان بوروکراتیک دولت های بر آمده از نظام سرمایه داری و حامی آن متشکل می کنند. این تشکل ها با تعریف وظیفه نظارت بر جهان بوروکراتیک دولت های بر آمده از نظام سرمایه داری و حامی آن متشکل می کنند.

نهادهای مردمی سه نقش مهم در حکمرانی دارند که عبارتند از: ۱. نقش مجری: بسیج منابع بر ارائه کالاها و خدمات، هم به عنوان بخشی از برنامه ها و پروژه های خود سازمان های مردمی و هم برنامه های دولت و آژانس های حامی ۲. نقش تسهیل گری: توانایی نهادهای مردمی در ایجاد انگیزش، تسهیل سازی، یا به تغییر مثبت در میان سایر فعالان در سطح فردی یا سازمانی. این نقش، سازماندهی توده ی عوام و شکل گیری گروه و ایجاد سرمایه اجتماعی را شامل می شود. ۳. نقش شریک: این نقش شامل رشد گرایش نهادهای مردمی به همکاری با دولت، حامیان و بخش خصوصی برای انجام فعالیت ها به صورت مشارکتی و روابط پیچیده ای که در میان نهادهای مردمی ظهور نموده است (شیرعلی، ۱۴۰۰: ۱۲). نقش افرینی گروه های مردمی در طی سال های پس از پیروزی انقلاب روند ثابت نداشته و همواره با فت و خیز مواجهه بوده است. به عنوان نمونه، بسیج که نهادی مردمی و برخاسته از گروه های مردمی بود؛ در دوران جنگ

کارکردهای جدی امنیتی داشت. در همان زمان جنگ کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بسیج برای حل مسائل کشور بارز بود. این روند در سال های بعد از جنگ نیز ادامه یافت. بسیج در آن مقطع جنس حاکمیتی نداشت اما امروز بسیج از رویکردهای مردم محور خودش فاصله گرفته و رویکردهای سازماندهی محور و بوروکراتیک بر آن غلبه پیدا کرده است. و بسیج از یک حرکت مردمی تبدیل به یک حرکت سازمانی شده است. و کارکردهای آن تقلیل یافته است. (حکمرانی مردمی: ۱۱۰) لذا هرچند به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی از اهمیت بالایی برخوردار هست ولی عدم قطعیت بالایی نیز دارد. بر این اساس، مسائل کلیدی تاثیرگذار بر ساخت جامعه مطلوب بر اساس حلقات میانی عبارتند از:

عدم قطعیت ۲ به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی (محقق ساخته)

عدم قطعیت	پیشران
به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی تقویت می شود	به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی
به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی تضعیف می شود	

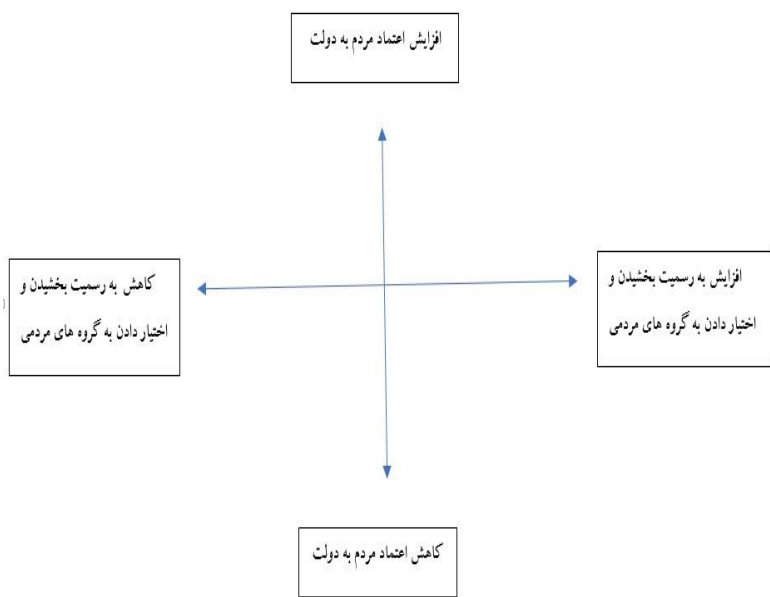
۷. انتخاب منطق حاکم بر سناریوها

از بر هم کش این دو عدم قطعیت، چهار فضای نا اطمینانی آینده ایجاد می شود. عدم قطعیت ها، محورهایی هستند که سناریوهای نهایی بر اساس آنها متمایز می شوند و مشخص کردن این محورها در واقع یکی از مهم ترین گام های فرایند سناریونویسی است. هدف نهایی رسیدن به سناریوهایی است که تفاوت های موجود بین آنها برای تصمیم گیرندگان قابل توجه باشد. پس از مشخص شدن محورهای اصلی عدم قطعیت های بحرانی، می توان آنها را به صورت ماتریس با دو محور نشان داد به نحوی که سناریوهای مختلف قابل شناسایی بوده و جزئیات آنها قابل شرح و بسط باشند. سناریوسازی تنها به منظور شناسایی محتمل ترین آینده یا شناسایی آینده های مطلوب و نامطلوب نیست بلکه اصلی ترین کارکرد سناریوها شناسایی آینده های متنوع و باورپذیری است که هر یک می-

تواند تحقق یابد؛ و در صورتی که تحقق یابد منجر به تأثیرات متعددی بر موضوع مورد بحث می شود. (کشاوری ترک، ۱۳۹۴: ۱۳)

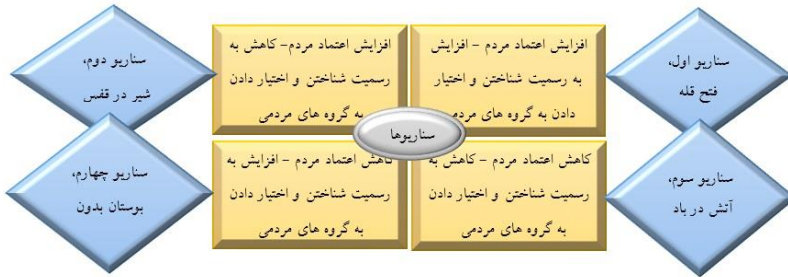
بر اساس دو عدم قطعیت مطرح شده ماتریس زیر را می توان ترسیم نمود:

نمودار شماره ۱: ماتریس عدم قطعیت ها (محقق ساخته)



سناریوها از تقاطع میان عدم قطعیت های بحرانی شکل گرفته است. بر اساس ماتریس ترسیم شده در بالا، چارچوب منطقی سناریوها در قالب جدول زیر طبقه بندی شده است:

جدول شماره ۴: چارچوب منطقی سناریوها (محقق ساخته)



بر این اساس چهار سناریو پیش روی جمهوری اسلامی برای ساخت جامعه اسلامی بر اساس حلقهات میانی در افق ۱۴۱۷ قابل طرح است. در سناریو اول از یکسو شاهد افزایش اعتماد مردم به دولت و از سوی دیگر افزایش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی هستیم. در سناریو دوم از یکسو شاهد افزایش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی و از سوی دیگر کاهش اعتماد مردم به دولت هستیم. در سناریو سوم از یکسو شاهد کاهش اعتماد مردم به دولت و از سوی دیگر کاهش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی هستیم. در سناریو چهارم از یکسو شاهد کاهش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی و از سوی دیگر افزایش اعتماد مردم به دولت هستیم. بر اساس قواعد روشی حوزه آینده‌پژوهی سناریوها باید طیفی از بدترین شرایط قابل تصور تا بهترین شرایط ممکن را ارائه کنند. در ادامه فضای سناریوها را توضیح داده خواهد شد و در پایان هر یک شاخص های راهنمای هر سناریو عنوان می شود. شاخص های راهنما، رویدادهایی هستند که در هر سناریو بیشترین احتمال وقوع پیوستن را دارند و در صورت رخ دادن، باید سناریوی مرتبط مبنای عمل قرار گیرد.

۸. سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی برای ساخت جامعه اسلامی بر اساس

حلقهات میانی

۸.۱. سناریو اول؛ فتح قله

ظرفیت سازی های جدید برای بهره گیری از توان مردمی بر محور جریان حلقه

های میانی و تحقق همه جانبه مردم سالاری

مردم سالاری ایرانی اسلامی این نیست که فقط مردم در انتخابات و در مواقع رای گیری حضور داشته باشند بلکه مشارکت و نقش آفرینی مردم در اداره امور کشور می باشد. «بعضی خیال میکنند این مردم سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن [تنها] یکی از جلوه های مردم سالاری دینی است. مردم سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالار زندگی جامعه، خود مردمند.» (خامنه ای، ۱۳۹۵/۹/۳) تشخیص مسائل و حل آنها به صورت خودجوش، آگاهانه و مسئولانه توسط مردم صورت می پذیرد. این حرکت ها در جامعه باید نهادینه و قانونمند شود. طبق آیه ۲۵ سوره حدید «لیقوم الناس بالقسط» خود مردم برای جاری شدن قسط و انجام عادلانه امور اجتماعی نقش ایفا می کنند. در این مدل جریان حلقه های میانی با ایجاد نقش واسط در همه عرصه ها ورود پیدا می کند و ظرفیت های مردمی را به صحنه اجتماع می آورد. حلقه های میانی با مسئولیت اجتماعی که بر عهده دارند و با روحیه آرمانگرایی تلاش می کنند مسائل را به خوبی شناسایی کنند. اهداف و آرمان های انقلاب را به خوبی می دانند و در خدمت آرمان های انقلاب هستند و در این مسیر با جلب اعتماد مردم متناسب با اراده های مردمی در مسیر حل مشکلات و مقاوم سازی به پیش می روند. این حلقه های میانی هستند که با خلق تشکیلات و ظرفیت سازی های جدید مردمی نقش آفرینی مردم را از اینکه تنها در سطح عاملیت باشد فراتر برده و در سطوح مدیریتی و سیاستگذاری نیز به پیش می برد. در این شرایط مردم خود را مالک حقیقی انقلاب دانسته و با تمام توان خویش در مسیر اعتلا و پیشرفت جامعه اسلامی قدم بر میدارند. این مهم تنها در الگوی مردم سالاری اسلامی ایرانی در قالب نظام ولای قابل تحقق است. همانگونه که در مبانی حلقه های میانی و بیان تعریف و ویژگی های حلقه های میانی بر این امر صحنه گذاشت. حلقه های میانی در سیستم ولایی ظهور پیدا می کنند که در این سیستم پیوند مردم با ولی، پیوند ولی با مردم و پیوند مردم با مردم اصیل و پا برجاست. حلقه های میانی نخبگان اجتماعی هستند که ذوب در ولی و دارای اصالت ایدئولوژیک هستند. دغدغه شخصی نداشته و در مسیر آرمان ها مسئولیت اجتماعی خویش را انجام می دهند.

در این شرایط مردم به حلقه های میانی اعتماد دارند و آنها را از جنس خود می دانند. با ایجاد این پیوند بین مردم و حلقه های میانی، مردم همواره در سطوح مختلف در صحنه خواهند بود و خلا های بین ملت و دولت که در دولت مدرن و یا مدل دموکراسی و یا سایر مدل های حکومت داری مطرح می شود از بین خواهد رفت و مردم سالاری اسلامی ایرانی به معنای واقعی کلمه تحقق می یابد.

در سالهای منتهی به پیروزی انقلاب و سال های ابتدایی تشکیل جمهوری اسلامی، حضور مردمی با جهت دهی، برنامه ریزی و هدایت گری حلقه های میانی مسیری صحیح از مردم سالاری ایرانی اسلامی را به منصف ظهور گذاشت. همانطور که مقام معظم رهبری در می فرمایند: «هنر اصلی انقلاب این بود که جمهور مردم را از یک مجموعه و توده منفعل و مصرفی و فاقد یک نگاه ملی و عمومی، تبدیل کرد به یک مجموعه پُرانگیزه، علاقه مند، همّت دار، هدف دار، آرمان خواه، و وارد میدان کرد؛ کار بزرگ انقلاب این بود.» (خامنه ای، ۱۴۰۰/۵/۱۲)

در این سناریو شرایطی را به تصویر می کشد که روندی که انقلاب اسلامی در سالهای ابتدایی (پیروزی انقلاب و دفاع مقدس) داشت که تبلور حضور اراده های مردمی بود تقویت شده و فاصله هایی که در طی این سالها با این روند ایجاد شده است پر شود. -یک نمونه از مواردی که این فاصله ایجاد شده است جهاد سازندگی است که با فاصله گرفتن اصل بنیادی مردم سالاری به سمت دولتی شدن و ایجاد ساختار بوروکراتیک حرکت کرده است. - با حضور پر رنگ حلقه های میانی، ساختارهای دولتی به سمت قدرتمند شدن مردم و دادن اختیار و امور به مردم به پیش روند. همانگونه که امام خمینی به این مهم اشاره داشتند: «شرکت دادن مردم را در امور، این را کراماً گفتم، شما هم خودتان گفتید که یک کشوری را که بخواهید اداره بکنید، یک دولت تا شرکت مردم نباشد نمی شود اداره صحیح بشود... و دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی اش کنید.» (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۳۷) این مشارکت همه جانبه مردم ضامن اصلی مشروعیت و بقا نظام اسلامی خواهد بود. در صورتی دولت ها می توانند به گروههای مردمی اختیار دهند که منعطف بوده، تصدی گری نداشته باشند و پویایی و تحول آفرینی را در پرتو مدیریت جهادی به صحنه آورد.

در این شرایط وجود حلقه های میانی برای منسجم کردن، متشکل کردن، هدف دار کردن و به صحنه آوردن مردم ضروری است تا این فاصله بین دولت و ملت پر شود. حلقه های میانی با فهم حرف حاکمیت و انتقال آن به مردم به توسعه گفت‌وگویی بین مردم و دولت کمک می کنند، هم چنین مطالبات و خواسته های مردم را می دانند و در ضمن تلاش برای رفع آنها، اعتماد مردم به دولت را بازبایی می کند. حلقه های میانی تلاش می کنند ضمن حفظ ثبات درونی و تقویت خویش به ایجاد جامعه ای مستحکم و قوی یاری می رسانند. در این شرایط جامعه قوی و دولت قوی در تعامل با یکدیگر حکمرانی مطلوبی را فراهم آورند. در حکمرانی مطلوب باید به حلقه ای میانی فضا داده شود تا امور به معنای واقعی به دست مردم باشد. هم چنین تمام تلاش دولتمردان قدرتمند تر کردن، فعال کردن و بالفعل کردن همه ی ظرفیت های مردم است. قوانین نیز در تسهیل این امر اهتمام داشته باشند. در قانون اساسی به نقش مردم به خوبی پرداخته است. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین گر نفی هر گونه استبداد فکری واجتماعی و انحصار اقتصادی می باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می کند. (ویضع عنهم اصرهم والاعلال التی کانت علیهم). در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده دار حکومت و اداره مملکت می گردند. (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانون گذاری که مبین ضابطه های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام شناسان معادل و پرهیزگار و متعهد (فقه های عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خود گونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی تواند باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت

مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین).» زمینه ایجاد این مشارکت انسان ساز، از سویی اعتماد گسترده بین مردم و دولت می باشد و از سویی دیگر رسمیت بخشیدن و اختیار دادن به گروه های مردمی است. اصل ۴۳ قانون اساسی برنامه اقتصادی ایده آل را شرایطی می داند که مردم برای فعالیت در تمامی عرصه ها و حتی رهبری کشور فرصت و توان کافی را داشته باشند. «تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.» در اسناد بالادستی الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی مبتنی بر مردمسالاری ایرانی اسلامی به خوبی ترسیم شده است ولی در صحنه عمل این مهم در صورتی تحقق می یابد که حلقه های میانی بدرستی شکل گرفته باشد و وظیفه حفظ ثبات درونی و جلوگیری از عوامل بازدانه، حفظ استحکام درونی و کنترل و مراقبت بر روندهای بیرونی و تلاش در جهت حفظ جایگاه پیشرانی را به خوبی انجام دهند و این خلا فکری، عملیاتی و راهبردی را تکمیل نماید. در این صورت فتح الفتوح انقلاب اسلامی رقم خواهد خورد.

شاخص های راهنما:

رشد فزاینده گروههای مردمی خودجوش در حل مسائل اساسی کشور با حضور مسئولانه خواص و نخبگان
کاهش تصدی گری دولت و ایجاد نقش تسهیل گری، تنظیم گری و سامان دهی برای دولت

حمایت گسترده قانونی از تشکل ها و هسته های مردمی
افزایش و توسعه نهادهای مردمی و گسترش فعالیت مساجد
ایجاد و گسترش تعاونی ها در عرصه اقتصادی و اجتماعی

۸,۲ سناریو دوم؛ شیر در قفس

جامعه منفعل و گسسته در ضمن کاهش شکاف دولت و ملت بواسطه اعتماد

بخشی

در چنین فضایی چون گروه‌های مردمی شکل نگرفته و جایگاه خویش را در عرصه حکمرانی پیدا نکرده اند. جامعه به صورت منسجم، هدفمند و تاثیرگذار نخواهد بود بلکه اجزای مختلف جامعه به صورت افراد پراکنده، مصرفی، منفعل و بی انگیزه حضور دارند. هرچند دولت نیز مورد وثوق مردم هست ولی به دلیل متشکل نشدن مردم از این ظرفیت نمی توان بهره برد و جز موارد جزیی و پراکنده مردم و نهادهای مردمی در پیشبرد اهداف نقشی ندارند و دولتی تک سویه بر کشور حکمرانی خواهد نمود. در چنین فضایی شکاف بین دولت ملت بوجود می آید. شکاف دولت ملت یک مسئله اساسی است که نظم اجتماعی در سطح کلان، در تنظیم رابطه سیاسی بین دستگاه دولت از سویی و گروه ها و افراد در اجتماع (ملت) از دیگر سوی دچار اختلال می شود. این اختلال یا بی نظمی یا هرگونه نقض و کاستی در رابطه بین ملت ودولت را شکاف می گویند.

ساموئل هانتینگتون در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» بر مبنای نظریه نهادگرایی، معتقد است، یک نظام سیاسی کارآمد درجه بالای نهادینگی دارد. نهادینگی یعنی سازمان ها و آیین های زیر بنایی آن به اندازه کافی ثابت و از نظر مردم ارزشمند باشند. اگر نظم سیاسی با توسعه اقتصادی همگام نباشد، نظام دچار اختلال خواهد شد و امکان بروز تضادهای اجتماعی از جمله تضاد بین دولت و جامعه به وجود می آید. در چنین وضعیتی نقش نهادهای واسط و جامعه مدنی بسیار بااهمیت است. از آنجایی که شکاف، بین دولت و ملت است باید علت را در دو سطح بررسی نمود که در حوزه نقش دولت، بحث نوع و میزان قدرت دولتمندی در راستای ایجاد همبستگی و افزایش مشارکت در تولید، در کنار بحث تعداد و تنوع گروه های واسط بین دولت و احزاب و جامعه برای ایجاد نهادها و ساختارهایی که این فاصله را پر می کنند لازم و ضروری است.

این وضعیت، مطلوب جمهوری اسلامی نخواهد بود زیرا با اهداف و آرمان های آن فاصله داشته و مسائل و مشکلات تنها با توان دولتی لاینحل باقی خواهد ماند. کارایی

نظام سیاسی در وظایف حکمرانی‌اش مخدوش شده و به طور بالقوه چالشی برای مشروعیت نظام سیاسی خواهد بود. این شرایط به دلیل حداقلی بودن حلقه های میانی در نقش دهی به مردم، تشدید می شود و مردم تنها در سطح اجرا بکار گیری می شوند. از جانب دولت ها مردم و گروههای مردمی به رسمیت شناخته نمی شوند و مردم غیر متخصص و توده تلقی می شوند.

حلقه های میانی نتوانسته اند واسطی بین مردم و دولت باشند و شکاف بین مردم و دولت بیشتر خواهد شد. هم چنین حلقه های میانی نتوانسته اند واسطی بین مردم و آرمان هایشان باشند به همین دلیل هرچند مردم احساس مسئولیت اجتماعی دارند ولی توان آنها در مسیر آرمان های انقلاب نبوده و به صورت خواسته های گروهی و حزبی محدود می گردد و از ظرفیت های مردمی در مسیر پیشرفت کشور بهره ای برده نمی شوند هرچند مردم انگیزه کافی برای هم افزایی اجتماعی دارند.

شاخص های راهنما:

کاهش گروه های مردمی و تشکل ها

کم رنگ شدن نقش احزاب و تقلیل نقش احزاب به انتخابات ها

افزایش باور به دولت انحصارگرا و متمرکز

جامعه منفعل و اتمیزه

شکاف بین ملت و دولت

۸.۳ سناریو سوم؛ آتش در باد

عدم موفقیت جمهوری اسلامی برای نیل به جامعه مطلوب اسلامی و محقق

نشدن اهداف گام دوم انقلاب (سناریو نامطلوب)

در این سناریو از یک سو شاهد کاهش اعتماد مردم به دولت هست و از سویی دیگر کاهش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی است. بر اساس این سناریو انحصار گرایی و تمرکز گرایی دولت بیشتر می شود و زمینه های همکاری و مشارکت مردم در عرصه های گوناگون کاهش می یابد. گروه های مردمی موجود با

موانع بسیار برای نقش آفرینی مواجه می شوند و عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از حضور نهادها و گروه های مردمی خالی می گردد. دولت ها تمایلی به نقش آفرینی مردم و تغییر ساختارها به سمت مردمی شدن ندارند. و به صورت محدود در خدمت ساختار خود و یا بحران هایی که دولت به تنهایی امکان رفع آن را ندارد هم چون سیل و زلزله از مردم استفاده می کنند. در این شرایط فاصله بین مردم و دولت روز به روز افزایش یافته و نارضایتی مردم بیشتر می شود. مردم انگیزه ایی برای فعالیت به واسطه عدم اعتماد به دولت ندارند. حلقه های میانی شکل نگرفته است لذا مردم به صورت هدفمند، جهت دار و برنامه ریزی شده حضور ندارند و بیشتر نقش منفعل و مصرفی در جامعه دارند. دولت بدون حضور متشکل مردم، توان حل مسائل را ندارد. در چنین شرایطی دولت ضعیف در کنار جامعه ضعیف باعث می شود، جمهوری اسلامی از درون تهی گشته و زمینه برای عدم مشروعیت نظام فراهم می گردد.

بی اعتمادی مردم به دولت همچون آتشی است که جامعه ایرانی را نابود خواهد کرد و دولت نیز با کاهش رسمیت دهی و اختیار دادن به مردم، همچون بادی هستند که به آتش بی اعتمادی مردم دمیده می شود و شعله های این آتش فوران خواهد کرد. شرایط جدیدی به ایران تحمیل می شود که آتش معضلات به انفصال رابطه مردم و دولت، افزایش مسائل لاینحل و ترویج ناامیدی منجر خواهد شد. بحران ناامیدی می تواند منجر به بحران مشروعیت شود. این سناریو، سناریو نامطلوب برای جمهوری اسلامی است.

شاخص راهنما:

ناکافی بودن زیر ساخت های حضور مردم در عرصه های مختلف
 رشد بسیار سریع شکاف دولت ملت و افزایش نارضایتی
 پر رنگ شدن نقش دخالت دولت ها در تمامی امور
 عدم باورمندی دولت نسبت به مردم
 نبود انگیزه و اراده کافی از جانب مردم، خواص و نخبگان و ایجاد جامعه متمیزه و نا

منسجم

انزوای و به حاشیه رفتن گروه های مردمی

۸,۴ سناریو چهارم؛ بوستان بدون گل

تغییر الگوی حکمرانی با افزایش اختیار به مردم در ضمن استمرار شکاف دولت -

ملت با تداوم بی اعتمادی

در نظام جمهوری اسلامی و مردم سالاری اسلامی ایرانی یا به تعبیری دیگر امامت امت؛ امام خمینی نقش حقیقی اراده های مردم را درک نموده و با همراهی و کمک جریان حلقه های میانی به صحنه آورده اند این نقش در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است و این مهم با اعتماد مردم به جمهوری اسلامی امتداد یافت. حال شرایطی تصور شود که اعتماد به مردم وجود نداشته باشد و مردم نیز به مسئولین اعتماد نداشته باشند و شکافی بین دولت و ملت در جامعه وجود داشته باشد. اراده های مردمی در صحنه حاضر نخواهد شد. در صورتی که مردم حضور نداشته باشند ناکامی نظام اسلامی رقم می خورد و در هر کجا و در هر مسئله ایی که مردم حضور نداشته باشند مسائل و مشکلات باقی خواهند ماند چراکه حضور مردم جایگزینی نخواهد داشت. در این سناریو فضایی ترسیم می شود مانند یک بوستان است زیرا تغییر الگوی حکمرانی به سمت مردمی شدن امور حرکت کرده است. دولت به نقش عاملیت و مدیریت مردم اعتقاد دارند. اصلاح ساختار سازمانی و توسعه نهادی صورت پذیرفته است ولی چون اراده های انسانی در صحنه جامعه حاضر نیستند و مردم اعتماد به دولت نداشته و انگیزه برای مشارکت ندارند همچون بوستان بدون گل می ماند.

آنچه باعث می شود این شرایط تقویت شده و امتداد یابد؛ عدم حضور حلقه های میانی است. چراکه حلقه های میانی نقش هدایت و جهت دهی خود را برای گروه های مردمی انجام نمی دهند و گروه های مردمی اندکی هم که وجود دارند در مسیر درست حرکت نمی کنند. حلقه های میانی ظرفیت های مردمی را در جهت حل مسائل انقلاب اسلامی فعال نمی کند و پیوند مردم با مردم و پیوند مردم با ولی در این شرایط شکل نخواهد یافت. در این شرایط دولت ها مجموعه های مردمی موجود را در خدمت ساختار خود قرار داده و از پیگیری مأموریت ها و اهداف انقلاب اسلامی و مردم غافل می شوند؛ بسیاری از ساختارهای دولت و سیستم اداری کاذب و بیهوده بوده و به جای حل مسائل مردم به حل مسائل ساختار خود می پردازند و حتی توان و ظرفیت های

گروه ها و مجموعه های مردمی را نیز در خدمت خود می گیرند و همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «سیستم اداری موجود برای رفع نیازهای مردم طراحی نشده بود بلکه برای تسهیل حاکمیت بر مردم طراحی شده بود.» (خامنه ای، ۱۳۶۴/۵/۱)

در این شرایط حکمرانان می دانند که همراه کردن مردم در اداره امور کشور برای ثبات سیاسی امری ضروری است و مشارکت افراد جامعه در سیاستگذاری، اجرا و نظارت باعث کاهش آسیب های اجتماعی و حل بسیاری از مسائل خواهد شد. حکمرانی مشارکتی روشی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و تعارضات است و در آن افراد به طور مرتب با مذاکره با یکدیگر و تصمیم گیری جمعی، به تصمیمات رضایت بخش و قانع کننده می رسند. (Schmitter et al., 2002, 67) جلب مشارکت مردم در تمامی فعالیت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یکی از ملزومات دستیابی به الگوی حکمرانی مطلوب مد نظر قرار داده می شود. اما بدون وجود انگیزه و اراده جدی و فراگیر از جانب مردم، جامعه را در رسیدن به اهداف خود با چالش های جدی مواجه می کند. حلقه های میانی بندرت وجود دارند و واسطی که سبب شود مردم در سطوح مختلف حضور داشته باشند و نقش آفرینی کنند کمبودش احساس می شود.

شاخص های راهنما:

باورمندی دولت ها به حضور و نقش آفرینی مردم در قالب تشکل ها و گروه ها
عدم نقش آفرینی خواص و نخبگان در راستای هدایت و برنامه ریزی حل مسائل از طریق ظرفیت های مردمی
عدم انگیزه کافی مردم برای نقش آفرینی اجتماعی

۹. نتیجه گیری:

در این مقاله تلاش شد با رویکرد آینده پژوهی به ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس حلقه های میانی پرداخته شود. در آینده پژوهی، آینده قطعی وجود ندارد و آینده های بدیل نیز وجود دارند و هم چنین با داشتن تصویر از آینده باید تلاش شود از غافلگیری جلوگیری شود. یکی از روش های کارآمد در این زمینه سناریو پردازی است

که فضای بررسی احتمال آینده های ممکن را خلق خواهد کرد و فرصت ها و تهدیدات بالقوه را شناسایی می کند تا برنامه ریزان و سیاست گذاران را برای مواجهه با چالش و ظرفیت های آینده آماده سازد و به ساخت آینده مطلوب کمک کند. بنابراین در این مقاله با استفاده از روش سناریو نویسی پیتر شوارتز، دو عدم قطعیت «اعتماد مردم به دولت» (اعتماد مردم به دولت افزایش می یابد؟ یا اعتماد مردم به دولت کاهش می یابد؟) و «به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی» (به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی تقویت می شود؟ یا به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی تضعیف می شود؟) از نگاه خبرگان شناسایی شد که بیشتر از سایر عوامل شناسایی شده در ساخت جامعه مطلوب اسلامی براساس حلقه های میانی در افق بیست ساله گام دوم انقلاب تاثیر گذارند. در ادامه از بر هم کنش این دو عدم قطعیت، چهار فضای نا اطمینانی آینده ایجاد شد. بر این اساس چهار سناریو پیش روی جمهوری اسلامی برای ساخت جامعه اسلامی بر اساس حلقه های میانی در افق ۱۴۱۷ طرح شد. در نتیجه مطلوب ترین وضعیت پیش روی جمهوری اسلامی این است که افزایش اعتماد به مردم به همراه افزایش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه های مردمی ایجاد شود. این مهم با ظرفیت سازی های جدید برای بهره گیری از توان مردمی بر محور جریان حلقه های میانی و تحقق همه جانبه مردم سالاری ظهور می یابد. در راستای پیاده شدن این سناریو جمهوری اسلامی باید تلاش کند اعتماد بین مردم و دولت را افزایش دهد و شکاف های موجود بین دولت و ملت را کاهش دهد. فضایی را فراهم کند که گروه های مردمی به رسمیت شناخته شوند و با ایجاد زمینه های لازم اختیار برای نقش آفرینی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در سطوح مختلف تصمیم گیری، اجرا و نظارت فراهم گردد. این مهم با حضور پر رنگ و موثر خواص و نخبگان مردمی در قالب جریان حلقه های میانی با ایجاد ظرفیت های جدید برای بهره مندی از توان مردمی ایجاد خواهد شد. هم چنین از ظرفیت های موجود هم چون مساجد و روحانیت، تعاونیها و سایر تشکلهای و نهادهای مردمی نیز می توان بهره برد. دولت می بایست تمرکز گرایی و انحصار گرایی را کاهش داده و نقش تنظیم گر و تسهیل گری برای بهبود اداره امور را ایفا نماید. در چنین شرایطی، حکمرانی مردمی که بر اساس آن

جمهوری اسلامی کار خود را آغاز کرد با قدرتی بیشتر به مسیر خود ادامه خواهد داد و تجلی کامل مردمسالاری اسلامی ایرانی را شاهد خواهد بود.

منابع

۱. بنیاد توسعه فردا. (۱۳۸۴). *روش های آینده نگاری تکنولوژی*. تهران: انتشارات گروه آینده اندیشی.
۲. بهرامی، مهدی. (۱۴۰۰). "حلقه های میانی الگوی عملیاتی دولت سازی اسلامی." فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش. شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۰، ۱۸۹-۲۴۱. doi: 10.22081/fpq.2022.73393
۳. زالی، نادر. (۱۳۹۰). "آینده نگاری راهبردی و سیاست گذاری منطقه ای با رویکرد سناریو نویسی." فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۴، شماره ۴.
۴. شوارتز، پیتر. (۱۳۸۸). *هنر دورنگری: برنامه ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت*. (ع، علیزاده. مترجم). چاپ اول. تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۵. حمیدرضا ترابی. (۱۴۰۰). *امام محله؛ مقدمه ای بر امامت در مقیاس میانی و سازوکارهای تنفذ آن*. بنیاد هدایت.
۶. خمینی، روح الله. (۱۳۸۴). *صحیفه نور*. تهران: حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. خامنه ای، سید علی. قابل بازیابی در Khamenei.ir
۸. ربیعی، سینا؛ سیاوشی، مهدی. (۱۴۰۲). "صورت بندی مفهومی حلقه های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران." <https://civilica.com>
۹. شیرعلی، اسماعیل. (۱۴۰۰). "مفهوم شناسی مردمی سازی حکمرانی." *حکمرانی متعالی*. سال دوم، زمستان، شماره ۸.
۱۰. علیزاده، عزیز؛ وحیدی مطلق، وحید. (۱۳۸۳). *برنامه ریزی بر پایه سناریو، مفاهیم، مبانی و کاربردها*. تهران: اندیشکده وحید.

۱۱. کشاورز ترک، عین الله. (۱۳۹۴). «طراحی سناریوهای تهدیدات نوظهور فرهنگی انقلاب اسلامی بر مبنای روش عدم قطعیت بحرانی». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال چهارم، شماره ۱۵.
۱۲. گلابی، فاطمه. (۱۳۸۳). "نقش اعتماد اجتماعی در امر توسعه با تأکید بر عملکرد و نقش شوراهاى اسلامى (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)". *نشریه راهبرد فرهنگ*. شماره ۳.
۱۳. محمدزاده بنی طرفی، مهدی. (۱۴۰۱). "جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی". *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*. شماره ۳.
۱۴. مجیدی، محمدرضا؛ سبزی کریم آبادی، یونس. (۱۴۰۱). "جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله تحزب". *فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. شماره ۵.
۱۵. نژدی منش، هیبت الله؛ عبدالمهی اصل، سیدکمال. (۱۳۹۴). "نقش سازمانهای مردم‌نهاد (NGO) در ترویج حقوق شهروندی". *همایش سراسری تبیین حقوق شهروندی*. ارومیه.
۱۶. نژدی منش، هیبت الله؛ عبدالمهی اصل، سیدکمال. (۱۴۰۱). *حکمرانی مرمی، تاملاتی در باب جامعه‌پردازی مردم‌نهاد و تحول در حکمرانی*. معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. نژدی منش، هیبت الله؛ عبدالمهی اصل، سیدکمال. (۱۴۰۱). *حکمرانی نوین*. تهران: پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم.

18. Cornish, E. (2004). *Futuring: the Exploration of the Future*. USA: World Future Society

19. P. C. Schmitter, J. Grote, and B. Gbikpi. (2002). *Participatory Governance. Political and societal implications*. Leske & Budrich, Opladen.